الباب الرابع و العشر من الواحد الثامن فی ان لکل نفس…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الرابع و العشر من الواحد الثامن** فی ان لکل نفس ان یتلو من آیات البیان فی کل یوم و لیلة سبعماة آیة و ان لم یقدر فلیذکر الله سبعماة مرة.

ملخص این باب آنکه از آنجائی که توحید در حرف ذال منتهی الیه عروج او است و سر آن اینکه عدد هفت اللهم که بر حروف رتبه ثالث توحید گذرد رتبه خامس ظاهر میگردد و اذن داده که اگر کسی تواند هر روز و شب هفتصد آیه از بیان تلاوت نماید و اگر نتواند هفتصد مرتبه الله اظهر بگوید و ثمرۀ آن اینکه اگر یوم قیامت باشد مؤمن شود ”بمن یظهره الله“ تا کینونیت آن لایق شود که مدل شود بر حرف ذال و یکی از اعداد آن عدد گردد اگر خارج از حد عدد گردد و نبیند الا واحد بلا عدد را

نه این است که این امری باشد سهل بلی اسهل است ازهر شیئ اگر ایمان آوری ولی چون آن روزی است عظیم بسیار صعب است که توانی با مؤمنین بود زیرا که مؤمن آن روز اصحاب جنت است و دون مؤمن اصحاب نار و جنت را معرفت ”من یظهره الله“ یقین کن و طاعت او و نار را وجود من لم یسجد له و رضای او چه در آن یوم خود گمان میکنی که ازاهل جنت و مؤمن باو هستی ولیکن محتجب میشوی و در اصل نار مقر تواست و تو خود نمیدانی

تصور کن ظهور او را مثل ظهور نقطۀ فرقان که چقدر از حروف انجیل منتظر بودند او را ولی بعد از ظهور اصحاب جنت نبود تا پنج سال الا امیر المؤمنین - علیه السلام - و هر که در آن یوم مؤمن بحضرت بود سرا و کل اصحاب نار بودند و گمان میکردند که اصحاب جنتند

و همچنین در این ظهور مشاهده کن که تا امروز با تدابیر الهیه جواهر خلق را حرکت داده تا آنکه سیصد و سیزده نفر نقبا گرفته شد در ارض صاد که بظاهر اعظم اراضی است و در هر گوشه مدرسه آن لا یحصی عبادی هستند که باسم علم و اجتهاد مذکور در وقت جوهر گیری گندم پاک کن او قمیص نقابت را می پوشد این است سر کلام اهل بیت - علیه السلام - در ظهور که میگردد اسفل خلق اعلای خلق و اعلای خلق اسفل خلق

و همین قسم در ظهور ”من یظهره الله“ بین اشخاصی که خطور نمیکند بر قلوب ایشان دون رضای خدا را و کل بتبعیت ایشان میکنند در ورع چه بسا اصل نار میگردند اگر ایمان باو نیاورند و عبادی که کسی خطورشأن در حق ایشان نمیکند چه بسا بشرف ایمان قمیص ولایت از مبدأ جود میپوشند زیرا که بقول او خلق میشود آنچه در دین خلق میشود از اعلی ذکر وجود گرفته تا منتهای آن مثل آنکه در ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - اوصیاء بقول آن وصی گشتند ببین کسی که قمیص جود ولایت عطا میکند خلق او در حق او اسم مؤمن که در ادنی خلق او است بر او منع میکنند

قسم بذات مقدس لم یزل که اگر کل اهل بیان مؤمن شوند بان شمس حقیقت مثل آنکه اول من آمن باو باو مؤمن شود هر آینه میپوشاند او را قمیص اسم خود که در کینونیت او دیده نشود الا او و اگر اسم او عظیم است اعظم میکند ومنسوب بخود میگرداند و در کتاب نازل میفرماید: ”الله لا اله الا هو الاعظم الاعظم“ ببین کسی که این است بحر جود او که لا شیئ محض را از ساحت فنا بساحت قدس بقائی میرساند که در کینونیت فؤاد او دیده نشود الا اسم او اگر در ظاهر در مشیت او دیده نشود الا مشیت مظهر او این است جود فیاض لم یزل و منان لا یزال که هر کس را خواهد قمیص فنا پوشد چون بیند که عابد است او را ولی از او محتجب چون از مظهر ظهور او محتجب

چنانچه دید رسول خدا - صلی الله علیه و اله - که کل مؤمنین بانجیل خدا را میپرستند و مؤمنند بآنچه او نازل فرموده ولی چون دید محتجبند ازنفس او که احتجاب از او احتجاب از خداوند است از این جهت حکم لدون الله کرد در حق ایشان و همچنین در نقطه بیان بین وهمچنین در ظهور ”من یظهره الله“ که اگر کل در آن روز نظر بمبدأ دلیل و جوهر بسیط کنند یک نفر از اهل بیان نمی ماند که تصدیق نکند او را مثل آنکه اگر در ظهور نقطۀ فرقان کل مؤقن بودند بقرآن از قبل هر آینه یک نفر نمیماند الا آنکه حین استماع آیات الله اقرب از لمح بصر از صراط میگذشت

نه این است که منتی باشد شما را ای اهل بیان بایمان باو بلکه اگر ایمان نیاورید خود لدون الله میشوید بلکه همت کرده ایمان آورده که لله شوید و از نار بنور مبدل شوید و الا او غنی است از کل ما سوی مثل آنکه اگر امروز کل ما علی الارض ایمان آورند ببیان خود از نار نجات میابند و داخل جنت میشوند واز ذکر لدون الله که اشد از هر نار است نجات میابند و داخل جنت لله میشوند که اعظم از هر جنت است و از ذکر کاف نجات میابند و در ظل ایمان داخل میشوند و الا نقطۀ حقیقت لم یزل و لا یزال غنی بوده است از کلشیئ و کل مفتقر بوده اند بسوی او بوجود کینونیت خود که اگر کل ما علی الارض در یوم ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - ایمان آورده بودند خود از نار نجات یافته بودند و حال هم که نیاورده خود در نار مخلد مانده

در هر ظهور خود همت نموده که خود را نجات دهید از نار ظهور قبل و الا ظاهر بظهور مستغنی است هیچ شیئ نیست الا آنکه و بکینونیت از برای او ساجد است لله عز و جل اگر چه خود محتجب باشد و در یوم ظهور او مؤمن نگردد که اگر کشف غطا از او شود مؤمن است از برای او چنانچه بظهور قبل او مؤمن است

ای اهل بیان نکرده آنچه اهل قرآن کردند ازبهر خدا سجده و بر مظهر آن آنچه نباید کردند این است که یکدفعه کل اعمال لدون الله میشود و عامل ملتفت نمیشود چنانچه کل ملل بهمین حجب محتجب مانده و در نزد هر ظهوری لایق است که کل بآن ظهور مؤمن شوند زیرا که کل بان قائمند

و لتتلون البیان علی لحن حزن فی آناء اللیل واطراف النهار لعلکم باسم الله تجذبون ثم لاسماء الله تحزنون.

